



● در آمد: در گفت و شنود ما با حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی خواندید که از برنامه‌های عالمان دستگیر شده در واقعه پانزده خرداد ۴۲ در زندان، نگارش یادداشت‌هایی با مضامین علمی، اخلاقی و تاریخی در دفاتر یکدیگر بوده است. این دفاتر در آستانه آزادی آن جمع به دست مأموران ساواک افتاد و نوشته‌های هرکس ضمیمه پرونده خود آن شخص شد. آنچه در پی می‌آید چند یادداشت منتشر نشده از آیت‌الله مکارم شیرازی است که از پرونده ایشان در ساواک به دست آمده است.



به یادبود ایامی که با جمعی از بزرگان و دوستان گرامی در زندان موقت شهربانی تهران در دفتر خاطرات دوست دانشمند عزیزم حضرت آقای محدث‌زاده نگاشته شد.

ناصر مکارم شیرازی / صفر / ۸۳

□ □ □

بسمه تعالی

انسان هر قدر ورزیده و شجاع باشد و هر اندازه در مکتب بزرگان این درس را خوانده باشد تا در کوران حوادث قرار نگیرد و از نزدیک ناظر صحنه‌های پرهیجان زندگی نباشد آن شایستگی و لیاقت وجودی را که در یک نفر انسان شجاع لازم است پیدا نمی‌کند. شاید حدیث البلاء للولاء نیز اشاره به همین باشد که مردان بزرگ الهی همواره سهم بیشتری به دست آوردند.

چند جمله فوق به عنوان یاد بود ایامی که این افتخار نصیب بنده شده بود و با جمعی از اعظم و بزرگان در زندان موقت شهربانی تهران بودیم بنا به پیشنهاد دوست گرامی حضرت آقای اهری نگاشته شد.

ناصر مکارم شیرازی / صفر / ۸۳

□ □ □

بسم الله الرحمن الرحيم

زكوه القدره العفو!

جمله‌ای است پر ارزش و سخنی است گرانبها که از بزرگ مرد جهان انسانیت علی علیه السلام نقل شده است. آری بر خلاف آنچه بعضی تصور می‌کنند انتقام مایه افتخار نیست. انتقام بارزترین مظاهر درندگی و حیوانیت است. نشانه انسانیت، عفو و گذشت و اغماض و بخشش است. آری هر نعمتی زکاتی دارد و زکوه نعمت قدرت عفو و گذشت است.

جمله‌های فوق به عنوان یادبود ایامی که با جمعی از بزرگان و دوستان عزیز در زندان موقت شهربانی بودیم، در دفتر چه خاطرات دوست محترم آقای طباطبایی نگاشته شد.

ناصر مکارم شیرازی / صفر / ۸۳

□ □ □

بسم الله الرحمن الرحيم

به عقیده من زندان یک مکتب تربیتی است که تعداد کلاسهای آن بستگی به تعداد اشخاص دسته‌هایی دارد که با انسان در یک جا زندانی هستند. خوشبختانه ما از این مکتب بزرگ برای اولین بار استفاده کردیم و امیدواریم بتوانیم از نتایج مطالعات خود در آینده استفاده فراوان کنیم.

زندان موقت شهربانی

ناصر مکارم شیرازی



بسمه تعالی

البلاء للاولياء!

زندگی همواره آمیخته با ناراحتی‌ها، ناملايمات، ناکامی‌ها و مشکلات است. کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که در دوران عمر کوتاه یا طولانی خود شاهد چنین صحنه‌ها و مناظری نباشد. تاریخ زندگی بشر در روی زمین مملو است از خاطرات تکان دهنده‌ای از فراز و نشیب‌های زندگی، نوسانهای خوشبختی و بدبختی اقوام مختلف جهان.

گرچه قسمتهای فراوانی از این ناکامی‌ها و ناراحتی‌ها معلول سوء تدبیر خود انسان و ساخته افکار نارسا و آمیخته با جهل و خودپرستی و خودخواهی اوست، ولی این راه نمی‌توان انکار کرد که انسان هر قدر باهوش، مدبر، دانا و بینا و بی‌نظر باشد، باز نمی‌تواند کشتی وجود و هستی خویش را به کلی از این طوفانها دور نگاهدارد.

چه می‌توان کرد؟ دریایی است آشفته و طوفانی با هزاران موج خروشان و کوبنده، ناخدا هر قدر ماهر و ورزیده باشد، باز مجبور است با این حوادث خطرناک دست و پنجه نرم کند. ولی یک مطالعه عمیق در اسرار جهان خلقت می‌تواند این حقیقت را برای ما آشکار سازد که این حوادث ناگوار و ناراحت کننده، وسیله بسیار مؤثری برای پرورش و تربیت ماست و اگر آنها نبودند یک رشته از نواقصی که تنها راه برطرف ساختنش این گونه حوادث است، برای همیشه در وجود ما باقی می‌ماند.

نخستین اثر این حوادث، افزایش نیرو و تحمل و بردباری و صبر و طاقت ما و ورزیدگی در جهات مختلف زندگی است. چرا چوبهای جنگلی از سایر چوبها محکم‌تر و آتش آنها فروزنده‌تر و دوام آن بیشتر است؟ چرا جنگجویانی که در میدان‌های نبرد نوین شرکت می‌کنند از دگران شجاعت‌تر و ورزیده‌ترند؟ چرا پوست لطیف صورت انسان برهنه در برابر سرما مقاومت می‌کند، در حالی که سایر اعضا پیکر ما هرگز چنین مقاومتی ندارند؟

دلیلی جز قرار گرفتن در کوران حوادث ندارد. از این مهم‌تر، ایمان قلبی، هر قدر محکم و توحید ما هر قدر کامل باشد باز ممکن است موفقیت‌ها و پیروزی‌ها، قدرت‌ها و سرمایه‌های گوناگون و جودی ما پرده‌هایی از غفلت بر روی آن بکشد و برای مدت کوتاهی هم که باشد گمان کنیم از خود چیزی داریم. ولی هنگامی که بزرگترین قدرت‌ها در برابر طوفان حوادث همچون پر کاهی دستخوش اضطراب شده و بی‌اختیار به هر سو پرتاب می‌شوند این پرده‌ها کنار می‌روند و آن احتیاج همه جانبه ما به مبدئی که ما را به وجود آورده آشکار می‌شود و وابستگی بی‌حد و حصر مادر تمام شئون هستی به آن مبدأ بزرگ به خوبی تجلی می‌کند.